

حسین دارابی از تجربه کارگردانی فیلم تازه‌اش گفته است

ایستادن پای «مصلحت» به تجربه «هناس» رسید

حسین دارابی که در دومین اثر خود یعنی «هناس» تشویش‌های زنی در آستانه ازدست دادن تمام زندگی‌اش را روایت می‌کند، می‌گوید ملاحظات سازندگان این اثر برای پرداختن به سوژه فیلم این بوده است که به اصل زندگی و شخصیت شهید و همسرش خدشه وارد نشود که کار سختی هم بود و در حقیقت ساخت یک اثر بیوگرافی از یک شخص زنده پرجالش است. «هناس» به کارگردانی حسین دارابی، تهیه‌کنندگی محمدرضا شفا و نویسندگی احسان تقفی و مهدیه عین‌اللهی یکی از چهار اثر سازمان سینمایی حوزه هنری است که امسال در بخش سودای سیمرخ چهلین جشنواره فیلم فجر حضور دارد. این فیلم سینمایی که در ژانر بیوگرافی ساخته شده است قصه زندگی شهید داریوش رضایی نژاد را از زبان همسر ایشان یعنی شهره پیرانی روایت می‌کند. ناگفته نماند که این اثر قصد نزدیک شدن به این شهید هسته‌ای را نداشته است بلکه روایت تلاش‌های عاشقانه زنی است برای بیرون کشیدن زندگی‌اش از تشویش و تلاطم، بهروز شعبی و مریلا زارعی در حالی دو نقش اصلی این فیلم را ایفا می‌کنند که شعبی خود فیلم «بدون قرار قبلی» را در جشنواره فیلم فجر امسال دارد و مریلا زارعی پس از سه سال با اثری جدید در مهم‌ترین رویداد سینمایی کشور حضور پیدا کرده است. چگونگی رسیدن به این نوع روایت، همکاری شهره پیرانی با پروژه، همکاری مجدداً با تیم «مصلحت» و... از جمله مواردی بود که با حسین دارابی کارگردان فیلم آن را مطرح کردیم که در ادامه می‌خوانید:

فیلم روز
سپیده‌شهرت
رضوی
خبرنگار

عکس: حمید سوری

مریلا زارعی در نمایی از «هناس»

این امر چه بود؟ آیا پیشنهاد ساخت این فیلم از جانب شما بوده است؟
ما در اولین همکاری خود با سازمان سینمایی حوزه هنری که با فیلم «مصلحت» رقم خورد، تجربه خوبی را کسب کردیم. از سوی دیگر برایمان اهمیت داشت که حوزه پشت اثر ایستاد و کار نشدنی را به شدن تبدیل کرد به همین دلیل پیشنهاد جدید خود یعنی «هناس» را نیز با حوزه مطرح کردیم و آن را به سرانجام رساندیم.

تیم اصلی «هناس» یعنی نویسنده، تهیه‌کننده و کارگردان فیلم «مصلحت» را نیز بهم کار کرده‌اند. این اتفاق چگونه رخ داد؟ آیا تیم خود را برای فیلمسازی انتخاب کرده‌اید؟
این تیم امروز شکل نگرفته است بلکه من، احسان تقفی و محمدرضا شفا سه سال هاست که با هم در زمینه‌های مختلف از جمله فیلم کوتاه و... کار می‌کنیم و تاکنون ۲ اثر بلند سینمایی یعنی «مصلحت» و «هناس» را نیز تولید کرده‌ایم. باید بگویم که در حقیقت تیم خوبی را تشکیل داده‌ایم، همدیگر را درک می‌کنیم و به یک نگاه مشترک و منسجم رسیده‌ایم. امیدوارم در آینده کارهای بهتر و قوی‌تر و جذاب‌تری بسازیم.

همسرش وارد یکسری پروژه‌های امنیتی شده و زندگی‌اش در معرض تهدید است پس تلاش می‌کند زندگی و همسرش را نجات بدهد تا به امنیت برسد اما در نهایت تصمیم دیگری می‌گیرد.
پایان قصه «هناس» از ابتدا برای مخاطب مشخص است. شما به عنوان کارگردان چقدر تلاش کردید از این خطر خود را دور کنید تا فیلم برای مخاطب ارزش افزوده داشته باشد؟
قطعاً این مسأله یکی از چالش‌های بزرگ ما بود و باید به گونه‌ای آن را تولید می‌کردیم که برای مخاطب جذاب باشد اگرچه در کنار تعداد زیادی از مردم که داریوش رضایی نژاد را می‌شناسند، عده‌ای هم هستند که آشنایی با این شهید ندارند. پس تصمیم گرفتیم داستان را از زاویه دید همسر شهید روایت کنیم و اینکه چگونه قرار است شهره پیرانی زندگی‌اش را حفظ کند همچنین تلاش کردیم جذابیت‌هایی را در زندگی ایشان ایجاد کنیم تا مخاطب با فیلم همراه شود به گونه‌ای که فیلم در یک جاهایی وارد ژانر ژنرلیک می‌شود تا مخاطب خود را به پایان فیلم برساند.
شما دومین اثر خود یعنی «هناس» را همانند اثر اول در همکاری با سازمان سینمایی حوزه هنری تولید کردید. علت

آینده‌نگر داشته باشید؟ در حقیقت تا چه اندازه پیشرفت و توسعه و اتفاقات ماجرای هسته‌ای را به تصویر کشیدید؟
داریوش رضایی نژاد یک نخیه بود اما ما نمی‌خواستیم وارد زندگی کاری ایشان شویم یعنی تعمداً این کار را انجام دادیم و وارد توسعه و پیشرفت مسائل هسته‌ای نشدیم چراکه با ملاحظات امنیتی کار سخت می‌شد. ما تنها به ذکر این مسأله که ایشان فردی باسواد، مهم و تأثیرگذار در کشور است، اکتفا کرده و نشانه‌گذاری‌هایی انجام داده‌ایم اما نمی‌گویم ایشان مشغول چه کاری بوده است در حقیقت تنها زندگی یک زن و شوهری را روایت می‌کنیم که زن متوجه می‌شود می‌شود که کار سختی هم بود

چقدر سعی کردید که به وجهه علمی شهید بپردازید، بعد دانشگاهی شخصیت او را پررنگ کنید و روایت



چه ملاحظاتی برای پرداختن به سوژه شهید هسته‌ای یا خانواده ایشان داشتید؟ چون به نوعی «هناس» یک بیوگرافی محسوب می‌شود.
همسر شهید رضایی نژاد اگرچه با ما بسیار همراهی کرد اما وظیفه خود می‌دانستیم که از اصل سوژه دور نشویم اگرچه دخل و تصرف‌های کمی را در فضای زندگی ایشان انجام دادیم. ملاحظات ما این بود که به اصل زندگی و شخصیت شهید و همسرش خدشه وارد نشود که کار سختی هم بود. در حقیقت ساخت یک اثر بیوگرافی از یک شخص زنده پرجالش بود.
خانم پیرانی به عنوان همسر شهید چقدر در انتخاب بازیگران دخیل بوده است؟
اعتماد ایشان به گروه ما مثال‌زدنی است چراکه به انتخاب‌های ما احترام می‌گذاشت و همراهی می‌کرد. تأکید می‌کنم که ایشان اصلاً در انتخاب بازیگران دخالتی نداشته است و زمانی که فهمید مریلا زارعی قرار است نقش ایشان را ایفا کند، بسیار خوشحال شد و برایش جذاب بود.

چقدر سعی کردید که به وجهه علمی شهید بپردازید، بعد دانشگاهی شخصیت او را پررنگ کنید و روایت

بیان شود البته ما قرار نبود مستندی از زندگی شهید داریوش رضایی نژاد تولید کنیم بلکه به دنبال ساخت یک اثر سینمایی بودیم که نکات خاص خودش را دارد یعنی نمی‌توان عین زندگی فرد را به تصویر کشید بلکه باید دخل و تصرف‌های دراماتیک در آن انجام داد تا فیلم مخاطب‌پسند، اثرگذار و جذاب شود. ریتم بهتری داشته باشد، شخصیت‌پردازی در آن شکل بگیرد و...
در ابتدا نمی‌دانستیم همسر شهید چه واکنشی قرار است نشان بدهد و آیا می‌پذیرد اثری درباره همسرش ساخته شود یا نه اما خوشبختانه ایشان خود اهل فیلم و سینماست و بشدت در مسیر ساخت این فیلم با ما همراه بود. بارها به ایشان توضیح دادیم قرار نیست اثری مستند خلق کنیم و ممکن است شخصیت‌هایی به قصه اضافه و کم کنیم یا کارهای دیگری انجام بدهیم اما ایشان همه موارد را پذیرفت. بعدها متوجه شدیم همدلی ایشان با پروژه واقعاً استثنایی بود. زمانی که برای اولین بار فیلم را برای ایشان به نمایش گذاشتیم، احساس رضایت را در چشمانشان دیدیم و متوجه شدیم که با اثر ارتباط برقرار کرده است.

است و ما برای رفتن به سراغ این قصه ترس داشتیم که تصور می‌کنم تا پایان جشنواره که بازخورد مخاطبان را بگیریم همچنان این ترس همراه ما هست. من، احسان تقفی نویسنده و محمدرضا شفا تهیه‌کننده سال‌ها بود که ایده ساخت فیلمی درباره ترور این دانشمند را که جلوی چشم همسر و فرزند چهارساله‌اش به شهادت رسیده است، داشتیم و برایمان به لحاظ سینمایی جذاب بود چراکه صحنه عجیب و دردناکی است. این موضوع را بسیار بالا و پایین کردیم و در نهایت به این نتیجه رسیدیم که می‌توان درباره این قضیه اثری را خلق کرد پس جلساتی را با خانم پیرانی همسر شهید برگزار کردیم و به نتایج خوبی رسیدیم که باعث شد در اجرای کردن تصمیم خود مصمم‌تر شویم.
از همراهی خانم پیرانی با پروژه «هناس» برایمان بگویید.
ما پیش از «هناس» تجربه نزدیک به این فیلم سینمایی را داشتیم و کارمان به اثر درباره شهره پیرانی همسر شهید است که اگر می‌خواهیم وارد زندگی یک شهید شویم و آن را روایت کنیم، باید ارتباط مستمر با خانواده ایشان داشته باشیم چراکه توقع دارند تمام مسائل بدرستی

در ابتدا برایمان بگویید تغییر نام «صورت فلکی» به «هناس» به چه دلیل بوده است؟
جزو گزینه‌های جدی ما برای عنوان اثرمان بود اما تصور می‌کردیم به دلیل آنکه اسم خاصی است مخاطب عام نتواند با آن ارتباط بگیرد پس نام «صورت فلکی» را برای فیلم برگزیدیم چراکه فیلمنامه کار دارای سکانس‌هایی بود که به این اسم ارتباط داشت ولی به دلایلی مجبور به حذف آن سکانس‌ها شدیم و «هناس» را جایگزین نام اولیه فیلم کردیم که به نظر من این اسم بسیار درست‌تر و برای فیلم مناسب‌تر است.
تاکنون در سینمای ایران آثار مشخصی درباره پرتره شهدای هسته‌ای نداشته‌ایم، چه چیزی توجه شما را به این قضیه جلب کرد؟ ایده شکل‌گیری این داستان چگونه به ذهن شما رسید و چرا پس از یک دهه به سراغ آن رفتید؟
در ابتدا باید بگویم «هناس» پرتراهی از شهید داریوش رضایی نژاد نیست بلکه این اثر درباره شهره پیرانی همسر شهید است و قصه فیلم کاملاً از زاویه دید ایشان روایت می‌شود.
تولید اثر درباره موضوعاتی که جنبه‌های مختلفی میان مردم دارند، بسیار سخت

روز پنجم جشنواره؛ روز زن و مادر

فرامتن

رضا مافی
منتقد سینما

روز پنجم جشنواره بسا دو فیلم «بی‌مادر» و «دسته دختران» همراه بود. یک ملودرام خانوادگی و دیگری فیلمی زنانه در ژانر جنگی، اما یک مؤلفه مشترک بین آنها را می‌توان در گره خوردن هر دو فیلم با موقعیت و جنسیت زنانه دانست. در فیلم «بی‌مادر» با قصه نازایی و رحم‌اجاره‌ای مواجه هستیم که در آن سوبه‌های

عاطفی و روانشناختی مادرانه در نسبت با مالکیت فرزند به‌عنوان چالش اصلی قصه روایت می‌شود و در «دسته دختران» که از نام فیلم هم پیداست با قصه‌ای زنانه از جنگ. روایتی از حضور زنان و مقاومت آنها در جنگ تحمیلی. این فیلم البته کارگردان زن هم داشته است: منیر قیدی که پیش از فیلم «ویلاهی‌ها» را شاهد بودیم. گرچه فیلم با همه هزینه‌هایی که برداشت و استفاده از تکنیک و جلوه‌های ویژه میدانی و بصری در خلق لحظات تأثیرگذار و البته تراژیک از جنگ، تأثیرگذار بود اما فاقد قصه است و از همین نقطه لطمه می‌خورد.

مادرانگی در جشنواره امسال مفهوم پرکاربرد است و «بی‌مادر» سیدمرتضی فاطمی با تأکید بر فقدان یک مفهوم یا موجود در همان عنوان خود می‌خواهد از ضرورت و اهمیت حضور آن بگوید. از این رو تجربه مادرانگی و فرزندآوری را با قصه رحم‌اجاره‌ای پیوند می‌زند تا از پس آن هم یک موقعیت اخلاقی بیچیده را به تصویر بکشد و هم دشواری مادرانگی را از منظری متفاوت بازنمایی کند. شاید بتوان از حیث مفهومی مهم‌ترین مسأله فیلم را در ارتباط با موقعیت مادرانگی

در از دست دادن‌ها و به‌دست آوردن‌ها جست‌وجو کرد. ضمن اینکه قرار است موقعیت و تجربه مادرانگی در نسبت با مسأله رحم‌اجاره‌ای در یک چالش عاطفی قرار بگیرد. اینکه آیا بچه‌ای که در رحم اجاره‌ای متولد می‌شود چقدر می‌تواند تجربه و عواطف مادرانگی را به وضعیتی متضاد و پارادوکسیکال بدل کند. از یک‌سو مادر باید موجودی را به دنیا آورد که فرزند دیگری است و از سوی دیگر مهر و عطوفت او در زنی که فرزند را زاییده به‌عنوان مهر مادرانه وجود دارد. پرسشی که فراتر از قصه فیلم می‌تواند ذهن مخاطب را درگیر خود کند.

منطقی و باورپذیری با فضای قصه ندارد و انگار با نگاه به گیشه انتخاب شده است اما به همین اندازه انتخاب محیط جغرافیایی و هویت آن چندان روشن و باور پذیر نیست و تمام تلاش فیلمساز این است تا صحنه‌هایی از جنگ را بواسطه تکنیک به نمایش بگذارد تا مخاطب را مرعوب کند؛ البته نه لزوماً به معنای منفی آن بلکه به قصد نمایش وحشتناک بودن جنگ. یکی دیگر از مشکلات فیلم به انتخاب بیکی کریمی برمی‌گردد که به نوعی لیدر این زنان جنگجو است. چهره و صدا و جنس بازی او هیچ نسبت



چهارشنبه سوری

کنی) و مهتاب نصیریپور (به نام پدر) نیز برنده سیمرخ‌های نقش مکمل شدند. گفتنی است در این دوره فیلم «چهارشنبه سوری» به کارگردانی اصغر فرهادی بهترین فیلم از نگاه تماشاگران شد. از نکات جالب توجه این دوره، اهدای خودروهای داخلی به‌عنوان جایزه بود که برای اولین بار در طول تاریخ جشنواره از طریق رایزنی هیأت داوران سینمای ایران با وزیر صنایع، صورت گرفت.

حاتمی‌کیا رسید و اصغر فرهادی کارگردان «چهارشنبه‌سوری» برنده سیمرخ بهترین کارگردانی شد. سیمرخ بهترین فیلمنامه نیز به مانی حقیقی برای فیلم «کارگران مشغول کارند» اهدا شد. سیمرخ بلورین بازیگر نقش اول مرد به پرویز پرستویی بازیگر «به نام پدر» رسید و سیمرخ بلورین بهترین بازیگر نقش اول زن به هدیه تهرانی بازیگر فیلم «چهارشنبه سوری» رسید. حمید لولایی (چند سی‌گیری گریه

واقعیت (مسابقه آثار مستند)، خارج از مسابقه، فیلم‌های میهمان، فیلم اول دوم برتر، فیلم برگزیده تماشاگران و نکوداشت بود. سینمای بین‌المللی نیز در بخش‌های مسابقه فیلم‌های معتادگرا، مسابقه بین‌المللی، مسابقه سینمای آسیا، خارج از مسابقه، جشنواره جشنواره‌ها، فیلم برگزیده تماشاگران و مرور آثار برگزار شد. از جمله فیلم‌های مهم جشنواره بیست و چهارم می‌توان به باغ فردوس، پنج بعد از ظهر

بیست و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر به دبیری علیرضا رضاداد، مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی (وقت در دو بخش سینمای ایران و سینمای بین‌المللی برگزار شد. سینمای ایران شامل بخش‌های مسابقه سینمایی بلند و داستانی کوتاه، چشم

گاه‌شمار جشنواره

بیست و چهارمین دوره
بهمن ۱۳۸۴